

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

ن- وَ الْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ (1)

ن. قسم به قلم و آنچه می نویسند. (1)

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (2)

نیستی تو به نعمت پروردگارت دیوانه نی. (2)

وَ إِنْ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (3)

و هرآئینه برای تو است البته پاداش بی پایان. (3)

وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (4)

و هرآئینه تو البته بر خلق (اخلاق) بزرگی. (4)

فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ (5)

پس خواهی دید و ایشان می بینند. (5)

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ (6)

(که) به کدام یک از شما دیوانه گی است. (6)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (7)

هرآئینه پروردگار تو او است دانا ترین به کسی که گم شد از راه او و او است دانا ترین به راه یافته گان. (7)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (8)

پس فرمان نبر به دروغ نسبت کننده گان را. (8)

وَ دُوا لَوْ تَذْهَبُ فَيَذَّهَبُونَ (9)

آرزو داشتند که اگر سازش نمائی پس ایشان سازش نمایند. (9)

و لَا تُطِغْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (10)

و فرمان نبر همه سوگند خورنده خوار و حقیری را. (10)

هَمَّازٍ مَّشَاءً، بِنَمِيمٍ (11)

عیب جو، رونده به سخن چینی را. (11)

مَنَّاغٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَنِيمٍ (12)

منع کننده برای نیکی، از حد گذرنده گناه کاری را. (12)

عُتْلٍ، بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ (13)

سخت دل بعد این بیگانه. (13)

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِينٍ (14)

آنکه است صاحب ثروت و فرزندان. (14)

إِذَا تَنُتَلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ (15)

وقتی که خوانده شد بر او آیت های ما، گفت: افسانه های پیشینیان است. (15)

سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (16)

به زودی خواهیم نهاد ما داغ او را بر بینی. (16)

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرُنَّهَا مُصْبِحِينَ (17)

هر آینه ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزمودیم ما صاحبان بوستان را چون قسم خوردند که البته بچینند میوه آن را صبح گاهان. (17)

و لَا يَسْتَنْتُونِ (18)

و نمی کنند استثناء (هیچ میوه نگذارند). (18)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ (19)

پس گذر کرد بر آن گذرنده گانی از جانب پروردگار تو و ایشان خواب بودند. (19)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (20)

پس گشت (بوستان) مانند چینده شده. (20)

فَتَنَّاوْا مُصْبِحِينَ (21)

پس ندا کردند (یکدیگر را) صبح گاهان. (21)

أَنْ اَعْدُوا عَلَيَّ حَرْثَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِرِينَ (22)

آنکه فردا صبح وقت بروید بر زراعت خود اگر هستید میوه چینده گان. (22)

فَأَنْطَلَقُوا وَ هُمْ يَتَخَفَتُونَ (23)

پس رفتند و ایشان با یکدیگر به آهسته گی صحبت می کردند. (23)

أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ (24)

آنکه نشود داخل بوستان را امروز بر شما بینوائی. (24)

وَ اَعْدُوا عَلَيَّ حَرْدٍ قَدِيرِينَ (25)

و صبح وقت کردند بر باز داشتن و منع کردن (قهر) توانایان. (25)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (26)

پس چون دیدند آن را گفتند: هر آینه ما البته (راه) گم کرده گانیم. (26)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (27)

بلکه ما محروم شده گانیم. (27)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ (28)

گفت میانه رو ایشان آیا نگفتم برای شما چرا نمی گوئید تسبیح؟ (28)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (29)

گفتند: پاک است پروردگار ما هر آینه ما بودیم ستم گاران. (29)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ (30)

پس رو آورد بعضی ایشان بر بعضی می کردند ملامت یکدیگر را. (30)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَٰغِيْنَ (31)

گفتند: ای وای بر ما هر آئینه ما بودیم سرکشان. (31)

عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ (32)

شاید پروردگار ما آنکه عوض دهد برای ما بهتر از آن، هر آئینه ما به سوی پروردگار ما مشتاقانه برگردنده گانیم. (32)

كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ ۗ سِوَىٰ وَا لْعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۗ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (33)

مانند این است عذاب؛ و البته عذاب آخرت بزرگتر است. اگر بودند می دانستند؟ (33)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (34)

هر آئینه برای پرهیزگاران نزد پروردگار ایشان است بوستان های نعمت. (34)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (35)

آیا پس می سازیم ما تسلیم شده گان به خدا را مانند بد کاران و گناه گاران؟ (35)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (36)

چيست برای شما چگونه داوری می کنید؟ (36)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (37)

یا برای شما کتابی است در آن می آموزید؟ (37)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (38)

هر آئینه برای شما در آن است از آنچه اختیار می کنید. (38)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (39)

یا برای شما است عهد های بر ما رسنده تا روز قیامت، هر آئینه برای شما است از آنچه داوری می کنید؟ (39)

سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ (40)

بپرس ایشان را کدام یک ایشان به این متعهد است؟ (40)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (41)

یا برای ایشان است شریکان؟ پس باید بیاورند شریکان ایشان را اگر بودند راست گویان.

(41)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ (42)

روزی که بر داشته می شود از ساق و خوانده می شوند به سوی سجده پس نمی توانند.

(42)

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَ هُفُّهُمْ ذَلَّةً صلى وَ قَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَلِيمُونَ (43)

به زیر افتاده چشمان ایشان در بر می گیرد ایشان را خواری؛ و به یقین بودند خوانده می

شدند به سوی سجده و ایشان صحتمندان بودند. (43)

فَذَرْنِي وَ مَنْ يُكْذِبُ بِهِذَا الْحَدِيثِ صلى سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (44)

پس بگذار مرا و کسی را که به دروغ نسبت می دهد به این سخن؛ به تدریج خواهیم کشید ما

ایشان را (به سوی عذاب) از جایی که نمی دانند. (44)

وَ أَمَلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ (45)

و مهلت می دهم برای ایشان. هر آئینه راه ماهرانه من استوار است. (45)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّعْرَمٍ مُّتَّقِلُونَ (46)

یا می طلبی از ایشان مزدی پس ایشان از تاوان سنگین بار اند؟ (46)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ (47)

یا نزد ایشان است علم نادیده پس ایشان می نویسند؟ (47)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَ هُوَ مَكْظُومٌ (48)

پس شکیبایی کن برای حکم پروردگار خود و نباش مانند صاحب ماهی (یونس ع) چون ندا

کرد و او پُر از غم شده بود. (48)

لَوْ لَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِّدَ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ مَدْمُومٌ (49)

اگر نه آنکه دریافت او را نعمتی از جانب پروردگارش البته انداخته می شد به کنار ساحل و او بود ملامت شده. (49)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (50)

پس برگزید او را پروردگار او پس ساخت او را از نیکو کاران. (50)

وَ إِنَّ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزِلُّوكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (51)

و هر آئینه نزدیک بودند آنانکه نامعتقد شدند البته بلغزانند ترا با چشم های شان چون شنیدند قرآن را و می گویند هر آئینه او (پیغمبر) البته دیوانه ئی است. (51)

وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (52)

و نیست آن (قرآن) مگر پندی برای جهان ها. (52)